

# هویت قومی و هویت ملی در افغانستان: مورد مطالعه،

## دانشجویان تعلیم و تربیه کابل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۸

اسفندیار غفاری نسب<sup>۱\*</sup>

محمدشریف پویا<sup>۲</sup>

محمدعلی قاسمی نژاد<sup>۳</sup>

سید ابراهیم مساوات<sup>۴</sup>

### چکیده

هویت ملی، مفهومی ذهنی است که تعلق به یک گروه ملی خاص را نمایان می‌کند. هویت ملی با مجموعه‌ای پیچیده از شرایط و احساسات همراه است که نگرش فرد را نسبت به گروه خود و دیگر گروه‌ها نشان می‌دهد. مسئله هویت ملی در افغانستان، همواره یکی از [موارد] بسیار حساس سیاسی و فرهنگی بوده است چراکه تفاوت‌های زبانی، قومی، فرهنگی و مذهبی در افغانستان و شباهت‌های قومی و فرهنگی با اقوام کشورهای مجاور و همچنین جنگ، تضاد و ویرانی در افغانستان باعث شده که هویت ملی در این کشور به‌طور کامل شکل نگیرد. هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت ملی دانشجویان تعلیم و تربیه کابل بوده است؛ در این مطالعه برای تبیین هویت ملی دانشجویان در سه گروه قومی (پشتون، هزاره و تاجیک) از نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی مانند گیدنز و استرایکر استفاده شده است. در گردآوری داده‌ها از روش پیمایش بهره گرفته ایم؛ تعداد نمونه نیز ۳۷۲ نفر بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک صورت گرفته است؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با به‌کارگیری نرم‌افزار SPSS انجام شده است؛ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و مثبت، میان متغیرهای هویت قومی، دینی، جهانی و سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و مشارکتی با هویت ملی وجود دارد؛ به علاوه، بر اساس رگرسیون چندمتغیره، متغیرهای سبک زندگی اجتماعی و مشارکتی، هویت دینی، سرمایه اجتماعی و جنسیت ۱۰/۷ درصد از تغییرها را در متغیر وابسته تبیین می‌کند.

**واژگان کلیدی:** هویت ملی، هویت قومی و مذهبی، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی، افغانستان.

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

(نویسنده مسئول: ghafarinasab2020@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج

## مقدمه

هویت از جمله مهم‌ترین مباحث قرن اخیر محسوب می‌شود. اگرچه تاریخ مسئله هویت را می‌توان هم‌عرض با تاریخ عمر بشر دانست، مطرح‌شدن علمی و پررنگ‌شدن مسئله هویت از ویژگی‌های جوامع مدرن به‌شمار می‌آید. بسط مفهوم جهانی‌شدن، رشد فناوری‌های (تکنولوژی‌های) ارتباطی، دگرگونی‌های اقتصادی و پدیده مهاجرت در دنیای کنونی، باعث تغییرهایی اساسی در جوامع شده‌است؛ این تغییرها تمام پهنه حیات اجتماعی را درنوردیده‌است. تغییرهایی که نه‌تنها در گروه‌ها و شبکه‌هایی که افراد هویت‌هایشان را در آنها متبلور می‌بینند، بلکه در ساخت جوامع که به این گروه‌ها و شبکه‌ها امکان ظهور و بروز می‌دهد، راه‌یافته‌است.

هویت که در گذشته به‌طور عمده معین بود، اینک دائم در تغییر، تحول و در بحران است؛ این بحران هویت نیز چون دیگر پدیده‌های اجتماعی معاصر جهانی است و بنابراین تنها گریبان‌گیر کشورهای پیشرفته نمی‌شود، بلکه عمده‌ترین معضل پیش روی کشورهای عقب‌مانده نیز به‌حساب می‌آید (دوران، ۱۳۸۷: ۵۳).

کشورهای مختلف دنیا برای حفظ اتحاد و انسجام ملت خود که از ملزومات ایجاد امنیت در جامعه محسوب می‌شود و پیگیری اهداف و سیاست‌های مختلف خود، ناگزیرند بر مسئله هویت یک‌پارچه ملی تأکید کنند؛ تحقق این یک‌پارچگی به مدد تاریخ، فرهنگ، سنت‌ها و علایق و تعلق‌های مشترک یک ملت امکان‌پذیر است؛ اهمیت این موضوع تا آنجاست که کشورهایی مانند آمریکا که از سابقه تاریخی چندانی بهره‌مند نیستند و مردم آنها نیز از پشتوانه‌های ملی و قومی و فرهنگی یکسان بی‌بهره‌اند، با برنامه‌ریزی، به ساخت هویت دست می‌زنند؛ شاید تجربه این جوامع، اندیشمندان را به این باور رسانده‌است که مفهوم ملت، محصول دوران مدرن است و دولت - ملت‌های مدرن، آن را رقم می‌زنند (کاوسی، ۱۳۸۸: ۴).

گروه‌های قومی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی، پیوسته در پی انسجام و شکل‌دهی خود در یک نظام اجتماعی بزرگ‌تر هستند به‌گونه‌ای که نخبگان آنها با برجسته‌کردن تعلق‌ها و ویژگی گروه برای حفظ و استمرار هویت قومی خود می‌کوشند؛ عوامل و تحول‌هایی متعدد وجود دارند که موجب تغییر در سطوح هویتی این گروه‌ها می‌شوند و انواعی از ملی‌گرایی قومی را در پی دارند که برای استمرار هویت قومی و جلوگیری از همانندسازی یا ادغام با سایر گروه‌ها تلاش می‌کنند؛ پس هرچه یک گروه قومی،

دارای عوامل همبستگی بیشتر باشد، وحدت و منشأ قدرت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری خواهند داشت و هویت خود را بهتر متجلی می‌سازند (گیلنز، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

اغلب اندیشمندانی که راجع به افغانستان تحقیق می‌کنند درباره این مسئله، اجماع نظر دارند که در این سرزمین، دولت-ملت و هویت ملی به طور کامل هنوز شکل نگرفته و هنوز شکاف‌های قومی-قبیله‌ی فعال و احتمال تعارض و کشمکش وجود دارد. دولت افغانستان باید در خصوص مسائلی که مانع شکل‌گیری هویت ملی و موجب شکاف‌های قومی می‌شوند، راه‌حل‌هایی درپیش گیرد.

در شرایط فعلی، افغانستان کشوری است که هویت ملی در آن، بسیار ضعیف و کم‌رنگ است؛ در واقع، هویت، مجموعه‌ای از میراث است که به او تعلق دارد. هویت در گستره سرزمینی که افغانستان نامیده می‌شود، دارای جنبه‌های جغرافیایی، زبانی، مذهبی و قومی است؛ البته این مسئله واضح است که هویت قومی از تأثیرگذاری بیشتری در حیات‌دادن به رفتارها بهره‌مند است. در جامعه افغانستان، افراد از ابتدا در جایگاهی یکسان قرار ندارند و معیارهای دسته‌بندی از جمله ویژگی‌هایی قومی و نسبی، بر جایگاه اجتماعی آنان بسیار تأثیر دارد (هتن، ۲۰۱۰: ۳۴).

در افغانستان، ضعف هویت ملی و سلطه هویت به‌شدت وابسته به عصر قومیت، متجلی است. برای شکل‌گیری هویت ملی، به حضور ارزش‌های انتزاعی نیاز است. ارزش‌ها در افغانستان به دلایل متعدد از مؤلفه‌های قطعی شکل نگرفته‌اند. ارزش‌های نظام (سیستم) اقتصادی غیرفئودال که حیات‌بخش هویت ملی هستند، در این جامعه قابل مشاهده نیستند. «نظام اقتصادی فئودالیت» ساختارها، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای متناسب خود را تولید می‌کند. هویت ملی در بطن فئودالیت به شکل نمی‌گیرد پس باید هویت افغانی را به‌شدت متأثر از قومیت دانست (ادواردز، ۱۹۸۵: ۵۰۵).

هویت ملی در افغانستان، همواره به‌عنوان یکی از مسائل مهم و درخور توجه محسوب می‌شود چراکه تفاوت‌های زبانی، قومی، فرهنگی و مذهبی افراد در افغانستان از یک طرف و شباهت‌های قومی، مذهبی و زبانی اقوام این سرزمین با اقوام کشورهای مجاور از سوی دیگر و همچنین چالش، جنگ، پراکندگی و ویرانی در افغانستان موجب شده است که هویت ملی در این قلمرو شکل نگیرد که یکی از مهم‌ترین دلایل نبود هویت ملی منسجم و چنددستگی مردم افغانستان از لحاظ قومی، مذهبی و زبانی، وجود قومیت‌هایی است که در خارج از مرزهای افغانستان با مردم افغانستان مشترک‌های فرهنگی

1 . Hettne

2 . Edwards

دارند و باعث می‌شوند که مردم افغانستان به سمت آنها گرایش یابند.

هویت ملی در کشورهای دیگر، انسجام، یک‌پارچگی و همگرایی آنها را در پی داشته‌است و زمینه پیشرفت و توسعه را فراهم ساخته‌است؛ بنابراین، ضعف هویت ملی، مسئله‌ای است که در صورت عدم توجه بار دیگر، تعارض، پراکندگی، عقب‌ماندگی و... را در افغانستان سبب می‌شود. براساس آنچه گفته‌شد، پرسش اصلی تحقیق این است که «متغیرهای هویت قومی، دینی، جهانی و سرمایه اجتماعی، سبک زندگی و مشارکتی بر هویت ملی دانشجویان در افغانستان چه تأثیری دارند؟» برای پاسخ دادن به این پرسش از روش پیمایشی استفاده می‌شود.

### الف - مرور پیشینه تحقیق

امانی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه کابل» به نتیجه رسیده‌است که میان متغیرهای سن، قومیت، گروه تحصیلی، وضعیت تأهل، محل سکونت، طبقات اجتماعی، تحصیلات والدین، سبک زندگی مدرن، مصرف رسانه‌های داخلی و خارجی و هویت اجتماعی پاسخ‌گویان، رابطه‌ای معنادار وجود داشته، اما میان متغیرهای جنسیت، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد به نفس، سبک زندگی سنتی و احساس رضایت از خود، رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ در رگرسیون چندمتغیره در این تحقیق مشخص شده که متغیرهای احساس رضایت از خود، سبک زندگی سنتی و اعتماد اجتماعی، دارای بیشترین ارتباط با متغیر هویت اجتماعی بوده‌اند؛ یعنی با بالا رفتن احساس رضایت از خود، قوی‌تر بودن گرایش به سبک زندگی سنتی و بالاتر بودن اعتماد اجتماعی، افراد، هویت اجتماعی قوی‌تری دارند.

ارزگانی (۱۳۹۰) در کتاب *افغانستان؛ رنگین‌کمان اقوام* به این جمع‌بندی رسیده‌است که تنوع و پیچیدگی قومی، فرهنگی، لسانی و مذهبی امروز افغانستان، مولود و محصول تاریخ پرآشوب این سرزمین و دیگر ملت‌ها و کشورهای منطقه است؛ مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های گسترده گروه‌های انسانی در پرتو تاریخ، موقعیت خاص جغرافیایی این سرزمین به‌عنوان چهارراه و شاهراه قاره کهن آسیا، محیط متنوع و متکثر حوزه‌های تمدنی اطراف آن، حدود و ثغور تحمیلی و مصنوعی آن، محیط و طبیعت خشن و ناسازگار داخلی آن و سایر عوامل بوده‌اند؛ این ساخت و بافت جمعیتی از گذشته‌های دور به یادگار مانده و حقیقتی اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل کتمان است.

حیدری و رهنورد (۱۳۹۰) در پژوهش خودشان با عنوان «افغانستان، نیروهای بیگانه و چالش

دولت- ملت‌سازی» نشان‌داده‌اند که گسست‌های گسترده اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در این کشور، از ضعف فرایند دولت- ملت‌سازی ناشی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، ساختار قدرتمند ارزش‌های ادبی، قبیله‌ای و مذهبی جامعه متکثر افغانستان، امکان تمرکز قدرت در شخص حاکم و دولت مرکزی کابل را منتفی ساخته است. تحلیل و بررسی فرایند تاریخی، وجود دولت ضعیف و جامعه قوی، تکثر هویت‌های قومی، قبیله‌ای، مذهبی و محلی، تحمیل دموکراسی به شیوه غربی توسط کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و عدم توجه به ساختارهای اجتماعی و سنتی افغانستان، از افزایش تنش‌های اجتماعی و سیاسی در افغانستان طی سال‌های آینده نشان‌دارد.

یچائی و کیا تحقیقی با عنوان «مطالعه انگاره‌های هویت فرهنگی و هویت ملی ملت‌های ایران و افغانستان با تأکید بر نگره‌های مهاجران افغانی به ایرانیان» انجام‌داده‌اند؛ این پژوهش، ضمن برشمردن اشتراک‌های فرهنگی دو ملت ایران و افغانستان، هویت فرهنگی ایرانیان و افغانی‌ها را از آبشخوری واحد می‌داند و بر آن است که تنها در صورت پذیرا بودن تکثر فرهنگی است که می‌توان هویت فرهنگی ایرانی را سابه‌بانی ریشه‌دار بر سر فرهنگ‌های متنوع قرارداد و وحدت هویت فرهنگی را تحقق بخشید.

لی و پراتو<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) به تحلیل ثانویه «هویت قومی و هویت ملی در تایوان» پس از افول قدرت چین در این منطقه پرداخته‌اند؛ نتایج آنها بیانگر آن است که خاطره‌های تاریخی و تفوق سیاسی نسبت به فرهنگ تایوانی در مقابل فرهنگ چینی در تمام گروه‌های قومی مورد مطالعه افزایش یافته است و افراد از طریق هویت تایوانی، خود را شناسایی می‌کنند.

سابلونیره<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی «نقش محرومیت نسبی و رفاه شخصی» در درگیری‌های قومی و ملی در قرقیزستان در سال ۲۰۱۰ پرداخته‌اند؛ به نظر آنها هرچند احساس محرومیت نسبی در ایجاد نارضایتی و درگیری در میان اقوام به‌طور تعیین‌کننده‌ای نقش داشته است، رفاه شخصی نیز در این میان بی‌تا نبوده است؛ بدین معنا که احساس محرومیت نسبی در کنار رفاه شخصی به نسبت بالا، درگیری‌های قومی را سبب شده است.

ساباتیر<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «هویت قومی و هویت ملی میان نوجوانان نسل دومی مهاجر در فرانسه: نقش زمینه اجتماعی و خانواده»، هویت فرهنگی را براساس دو جهت‌گیری قومی و

1 . Pratto

2 . Sablonniere

3 . Colette Sabatier

ملی با دو عنصر تصدیق<sup>۱</sup> و اکتشاف<sup>۲</sup> بررسی می‌کند؛ در این تحقیق براساس مدل‌های زیست‌محیطی نوسازی لایه‌های چندگانه‌ای از زمینه اجتماعی تحلیل شده‌است؛ اجتماعی شدن با همسالان، درک تبعیض و جنبه‌های مختلف والدین. تصدیق قومی و ملی به‌عنوان دو گرایش مستقل در نظر گرفته شده‌اند؛ نتایج برای درک فرایند هویت، امیدوارکننده بود؛ در این تحقیق، تمامی لایه‌های محیط اجتماعی مانند گروه دوستان و درک تبعیض، مهم هستند ولی به‌نظر می‌رسد که والدین، قوی‌ترین تأثیر را دارند. درک نوجوانان باید از آنچه والدین می‌گویند، تمیز داده شود.

بیلی (۱۹۹۴) در پژوهشی به «بررسی نقش موسیقی در آفرینش هویت ملی افغان‌ها» پرداخته‌است و نتیجه‌گیری می‌کند که در گذشته، نقش و تأثیر موسیقی در خلق هویت ملی افغان‌ها از پیش برنامه‌ریزی شده و آگاهانه نبوده‌است و به‌طور دقیق نیز نمی‌توان به چگونگی این فرایند پی برد؛ وی همچنین بیان می‌کند که شاید دیدگاه موسیقیدان‌ها در خصوص هویت ملی بر جامعه افغان تأثیر گذاشته باشد؛ این وضعیت از دهه ۱۹۷۰م تغییر کرده‌است؛ بدین معنی که نقش موسیقی در کاهش تعارض‌های فرهنگی و سیاسی جامعه افغان، کم‌رنگ شده‌است.

در جمع‌بندی تحقیق‌های پیشین باید گفت که در بیشتر تحقیق‌های فارسی، با دیدی آسیب‌شناختی، به پیامدها و بحران هویت ملی اشاره شده‌است؛ در این تحقیق‌ها، اطلاعات توصیفی خوبی در خصوص هویت وجود دارد؛ این اطلاعات توصیفی از این حیث قابل توجه‌اند که برخی واقعیات هویت ملی را در میان قشرهای مختلف بیان کرده‌اند.

مهم‌ترین نکته پژوهش‌های فارسی، این است که نتایج حاصل از آنها با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی موجود ایران برای محققان افغانی نیز قابل استفاده است. بیشتر تحقیق‌های اخیر، دارای بعد نظری خوبی هستند. تحقیق‌های فارسی انجام شده، بیشتر جنبه روان‌شناختی و تاریخی دارند و کمتر با رویکرد جامعه‌شناختی به هویت ملی پرداخته‌اند؛ اغلب این پژوهش‌ها با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه صورت گرفته‌اند.

آنچه در بررسی پژوهش‌های خارجی به چشم می‌خورد، تنوع موضوع‌های بررسی شده است که این نکته، همان‌گونه که بیان شد، در پژوهش‌های فارسی، چندان به چشم نمی‌آید؛ مسئله دیگر، حجم بالاتر تحقیق‌های کیفی نسبت به پژوهش‌های کمی است. انجام پژوهش به روش کیفی ازسویی، این

.....  
1 . Affirmation  
2 . Exploration

محققان را در بررسی عمیق موضوع مورد مطالعه و کشف افق‌های جدید در امر پژوهش توانمندی سازد و از سوی دیگر، تحقیق‌های کیفی اندکی تعمیم‌پذیری دارند؛ ویژگی دیگر تحقیق‌های انگلیسی، این است که از لحاظ موضوع به خوبی محدود شده‌اند بنابراین در این دسته از تحقیق‌ها، اغلب، درباره یکی از ابعاد هویت ملی بحث می‌شده‌است و از پرداختن به انبوهی از مسائل پرهیز شده‌است.

## ب- مبانی نظری و روش

### ۱- چارچوب نظری تحقیق

هویت ملی درحقیقت، پدیده‌ای است که تحت تأثیر عواملی متعدد قرار دارد بنابراین، چارچوب نظری را باید به کارگرفت که بتواند ابعاد مختلف این پدیده را تبیین کند؛ از این رو، ما به ارائه چارچوبی نظری، متشکل از دیدگاه شیلدون/سترایکر و گیلنر می‌پردازیم تا بتواند ابعاد مختلف هویت ملی را تبیین کند. نظریه/سترایکر به بررسی برجستگی هویت می‌پردازد؛ این نظریه، هویت را در ارتباط با فرد و ساختار اجتماعی مطرح میکند و آن را در سطح متوسط بررسی می‌کند. نظریه سلسله‌مراتب برجستگی هویت/سترایکر بر این نکته تأکید می‌کند که هویت‌ها نمایش‌هایی هستند که افراد درخصوص موقعیتشان در ساختار اجتماعی اجرامی کنند؛ این نمایش‌های ساختاری و موقعیتی در نزد وی در سلسله‌مراتبی از برجستگی قرار می‌گیرند؛ این برجستگی هویت‌ها سبب می‌شود، هویتی که در این سلسله‌مراتب در سطحی بالاتر قرار می‌گیرد، نسبت به هویتی که در سطحی پایین‌تر قرار دارد، برای فرد، بیشتر استفاده شود؛ بدین جهت، تحقیق حاضر به شناسایی انواع هویت‌های احتمالی پرداخت که نقشی تعیین‌کننده در زندگی فرد بازی می‌کند و از سوی دیگر به موضوع مورد مطالعه، مربوط می‌شوند؛ در این زمینه، مطالعات تجربی استفاده شد و مفهوم گونه‌های هویتی به مدل تحقیق وارد شد؛ در این میان، چهار گونه هویتی اصلی در میان دانشجویان شناسایی شد که به‌طور مستقیم نیز با هویت ملی (متغیر وابسته) رابطه داشته‌اند؛ گونه‌های هویتی، چهار گروه زیر را دربر می‌گیرند:

۱. هویت قومی؛
۲. هویت جهانی؛
۳. هویت دینی؛
۴. هویت جنسیتی.

در روند تحقیق با توجه به محدودیت‌های تحقیق، هویت جنسیتی از بررسی بیشتر حذف شد اما سه گونه دیگر هویت به مدل تحقیق وارد شدند؛ در این باره، قضیه زیر استخراج شد:

قضیه شماره ۱: افزایش تعهد نسبت به هویت ملی منجر می‌شود به:

الف- کاهش تعهد هویت قومی؛

ب- کاهش تعهد دینی؛

ج- کاهش تعهد به هویت جهانی.

استرایکر معتقد است که هویت‌ها بخشی از خود هستند و در واقع، خودآگاهی‌های درونی شده‌ای هستند که با موقعیت‌هایی که افراد درون ساختار اجتماعی برمی‌گزینند، پیوسته و همراه هستند؛ در نتیجه به اعتقاد وی، هویت‌ها ارتباط میان خود و ساختار هستند؛ وی همچنین معتقد است که اگر محدودیت‌های ساختاری، پایین باشد یا ساختار گنگ و نامشخص باشد، افراد می‌توانند هویت‌هایی چندگانه را برای خود اتخاذ کنند اما در مقابل اگر ساختار محدودیت‌های فراوانی را به کنشگران وارد سازد، نوع میزان برجستگی احتمالی هویت‌ها قابل پیش‌بینی می‌شود و افراد، به‌طور معمول، هویتی برجسته را برای خود برمی‌گزینند (استرایکر، ۲۰۰۰: ۲۸۶؛ استرایکر و اونز، ۲۰۰۱: ۲ و کاروترس، ۲۰۰۴: ۲۹ تا ۳۴).

بر این اساس، عوامل اجتماعی و زمینه‌ای یا در واقع، ساختارهای متفاوت، موجب تغییر شکل و محتوای کنش متقابل افراد می‌شوند؛ بدین سبب، مفهوم عوامل زمینه‌ای از نظریه استرایکر استخراج شد؛ این مفهوم یا در واقع ساختارهای متفاوت معنابخش به هویت، با استفاده از چهار عامل «سن، نوع مذهب، نوع قومیت و جنس» سنجش خواهد شد.

قضیه شماره ۲: الف- افزایش محدودیت ساختارهای اجتماعی متفاوت معنابخش، به کاهش تعهد به هویت ملی منجر می‌شود و ب- کاهش محدودیت ساختارهای اجتماعی متفاوت معنابخش، به افزایش تعهد به هویت ملی می‌انجامد.

استرایکر همچنین با ایجاد رابطه میان تعهد و هویت، رابطه میان هویت و ساختار اجتماعی را مفهوم‌پردازی کرده است؛ وی تعهد را این‌گونه تعریف می‌کند: درجه‌ای که یک شخص رابطه‌اش را با دیگران براساس وابستگی به نوعی خاص از هویت تعریف می‌کند؛ هرچقدر این وابستگی به نوعی خاص از هویت، بیشتر باشد، شخص به هویت خود متعهدتر می‌شود و این هویت خاص در سلسله‌مراتب برجستگی در سطحی بالا قرار می‌گیرد؛ در این میان، وی معتقد است که هرچقدر احساس



اعتماد به نفس شخص بالاتر رود، به همان میزان، تعهد او به نوع خاصی از هویت افزایش می‌یابد و در مقابل، تعهد بالا نسبت به یک هویت، خود نیز موجب ایجاد اعتماد به نفس بالا در شخص می‌شود. در این پژوهش، دیدگاه گیانز به سبب اینکه بر نقش و اهمیت مدرنیته در اهمیت یافتن هویت ملی تأکید دارد، نیز استفاده می‌شود. گیانز در زمینه هویت به بحث در خصوص هویت شخصی و تجدد و جهانی شدن پرداخته است؛ وی معتقد است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی شدن در دوران اخیر، دو قطب دیالکتیکی محلی و جهانی تشکیل داده است به طوری که حتی تغییرها در جنبه‌های بسیار خصوصی زندگی شخصی نیز با تماس‌های اجتماعی بسیار وسیع ارتباط دارند؛ در واقع، سطح و ابعاد فاصله‌گیری زمانی - فضایی در دوران تجدد کنونی به چنان حدی از گسترش رسیده است که برای نخستین بار در تاریخ بشریت، خود و جامعه در محیطی جهانی با یکدیگر تعامل می‌کنند (گیانز، ۱۳۸۰: ۲۸).

از دیدگاه گیانز، در چارچوب جوامع جدید، خود دگرگونی یافته را باید از طریق کاوش‌های شخصی دریابیم و آن را بخشی از فرایند تماس متقابل میان تغییرهای شخصی و اجتماعی بسازیم و استوار نگاه داریم، اما در تشریح و توصیف هویت شخصی، علاوه بر بررسی زمینه‌های اجتماعی باید به ساختار روان‌شناختی فرد نیز توجه کرد که این ساختار روان‌شناختی باید بر اساس مدل قشربندی باشد (گیانز، ۱۳۸۰: ۵۷). به نظر گیانز، شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار اعتماد بنیادین است. به هویت شخصی نمی‌توان برحسب ماندگاری‌اش در زمان توجه کرد؛ بلکه هویت برخلاف خود به‌عنوان پدیده‌ای عام، به آگاهی بازتابی نیاز دارد. هویت در واقع همان چیزی است که فرد از آن آگاه است؛ به عبارت دیگر، هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند (گیانز، ۱۳۸۰: ۸۶).

بر اساس نظریه گیانز، تحقیق حاضر، مفهوم سبک‌های مختلف زندگی را در مدل مفهومی وارد می‌کند زیرا همچنان که او معتقد است، با ورود به عصر مدرنیته متأخر و گسترش رسانه‌های ارتباطی، هویت‌ها از حالت ایستا و ساکن، وضعیت خود را تغییر داده و سیال و پویا شده‌اند؛ در واقع جهانی شدن با ایجاد امکانات فراوان در مقابل افراد، موجب تنوع در سبک زندگی افراد شده است. افراد آگاهانه انتخاب می‌کنند و شیوه‌ها و سبک‌های زندگی خود را می‌سازند و بدین طریق، هویت خویش را شکل می‌دهند. گیانز، سبک‌ها و شیوه‌های خاص زندگی را تولیدکننده هویت فرد می‌داند؛

براین اساس، پژوهش حاضر، مفهوم سبک زندگی را از نظریه گیلنر استخراج کرده، آن را به دو طریق سبک زندگی فرهنگی - فراغتی و اجتماعی - مشارکتی سنجش خواهد کرد. قضیه شماره ۳، الف: افزایش گرایش به سبک‌های زندگی فرهنگی - فراغتی به کاهش تعهد به هویت ملی منجر می‌شود و ب: افزایش گرایش به سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی افزایش تعهد به هویت ملی را سبب می‌شود.

## ۲- فرضیات تحقیق

میان سن و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان جنس و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان زبان مادری و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان نوع قومیت و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان وضعیت تأهل و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان هویت قومی و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان هویت دینی و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان هویت جهانی و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان سبک زندگی فرهنگی - فراغتی و هویت ملی، رابطه وجود دارد.  
میان سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی و هویت ملی، رابطه وجود دارد.

## ۳- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده و اطلاعات لازم با فن (تکنیک) پرسش‌نامه خودگزارشی جمع‌آوری شد. در تحقیق حاضر، با استفاده از محاسبات انجام شده توسط فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۷۲ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌برداری این تحقیق براساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک است که در نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک با تقسیم حجم جمعیت بر حجم نمونه نسبت نمونه‌گیری را به دست می‌آوریم که از هر نوزده (۱۹) نفر به یک (۱) نفر پرسش‌نامه داده شد. دانشگاه تعلیم و تربیه کابل که جامعه آماری این تحقیق بود در شش دانشکده هفت هزار (۷۰۰۰) دانشجوی مشغول به تحصیل داشت: دانشکده زبان و ادبیات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشکده علوم طبیعی، دانشکده تربیت بدنی، دانشکده تعلیمات مسلکی و دانشکده تعلیمات اختصاصی که هر یک

دارای چندین بخش بودند. در این پژوهش از شش دانشکده، «دانشکده تعلیمات اختصاصی» به دلیل اینکه دانشجویان آن، افراد معلول، معیوب، نابینا و افراد عقب‌ماندگی ذهنی بودند، حذف شد و در پنج دانشکده دیگر، چهارصد (۴۰۰) پرسش‌نامه به صورت تصادفی توزیع و جمع‌آوری شدند. در مطالعه حاضر به منظور اطمینان از وجوه گوناگون اعتبار پرسش‌نامه و به دست آوردن اعتبار صوری، از نظرها و راهنمایی‌های برخی متخصصان و استادان جامعه‌شناسی کمک گرفتیم؛ همچنین برای سنجش پایایی ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

**جدول ۱: میزان پایایی (آلفای کرونباخ) تعداد گویه‌های نگرشی پرسش‌نامه**

مقیاس	ضریب آلفای کرونباخ و تعداد گویه‌ها	
هویت ملی	۲۶	۰,۸۰۷
هویت قومی	۲۱	۰,۸۴۳
هویت دینی	۱۶	۰,۷۵۸
هویت جهانی	۸	۰,۷۲۱
سبک زندگی	۱۳	۰,۷۷۰

### پ- یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق، نشان‌دهنده این واقعیت بودند که از میان ۳۷۲ نفر از پاسخ‌گویان، ۵۵/۹ درصد آنها مرد و ۴۴/۱ درصد آنها زن بودند. میانگین سنی میان پاسخ‌گویان این پژوهش ۲۱/۶۷ زنان و ۲۲/۶۶ مردان بوده است. بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۷۲/۶ درصد را فارسی‌زبانان و ۲۴/۲ درصد را پشت‌وزبان‌ها تشکیل داده بودند؛ همچنین از میان کل دانشجویان مورد مطالعه، ۲۵/۳ درصد از پاسخ‌گویان: پشتون، ۳۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان: هزاره و ۳۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان: تاجیک بوده‌اند. از میان ۳۷۲ دانشجوی، ۲۲ درصد متأهل و ۷۸ درصد مجرد و از لحاظ مذهبی، ۵۱/۱ درصد از پاسخ‌گویان، شیعه و ۵۸/۹ درصد آنها سنی‌مذهب بوده‌اند. در ادامه با توجه به اهمیت و اولویت هویت ملی و هویت قومی در پژوهش حاضر، پرسش‌ها و فراوانی‌های مربوط به این دو متغیر ارائه می‌شود:

جدول زیر، توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف میزان هویت ملی را نشان می‌دهد؛ این طیف شامل ده (۱۰) گویه است و نمرات هرگویه میان ۱ تا ۵ تغییر می‌کند که نمره ۱ نشان‌دهنده هویت ملی کم که می‌تواند میان نمره ۱۰ (حداقل نمره) و نمره ۵۰ (حداکثر نمره) در نوسان باشد.

در صورتی که فرد برای همه گویه‌ها عبارت «بی‌نظر» را علامت‌بزند، میانگین کل نمره او از این گویه‌ها، امتیاز ۳۰ را به‌دست خواهد داد؛ در این جدول، چگونگی انتخاب گزینه‌ها در گویه‌های مختلف نشان داده شده‌است. همان‌طور که از آمارهای جدول پیداست درخصوص گویه اول «با شنیدن سرود ملی، به افغان بودن خود افتخار می‌کنم»، میانگین به‌دست آمده ۴/۳۸ از ۵ است که نشان‌دهنده گرایش به‌نسبت زیاد درباره این گویه است اما جمع نمرات به‌دست آمده از این ۱۰ گویه، میزان هویت ملی را در حد بالا نشان می‌دهد. میانگین به‌دست آمده از کل گویه‌ها برابر ۳۷/۶۷ است که از میانگین مورد انتظار (۳۰) که گرایش در حد متوسط را نشان می‌دهد، بیشتر است؛ هرچه این میانگین کل، از عدد ۳۰ بیشتر باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخ‌گویان با گویه‌هاست.

**جدول ۲: توزیع درصدی میزان موافقت پاسخ‌گویان با مقیاس گرایش به هویت ملی دانشجویان (بعد اشتراک درون‌گروهی) بر حسب قومیت**

گویه‌ها	میزان موافقت	میانگین	مخالفان	کاملاً مخالفان	بی‌نظر	مخالفان	کاملاً موافقان	میانگین	پشتون
با شنیدن سرود ملی، به افغان بودن خود افتخار می‌کنم	۰	۳،۲	۳،۲	۳،۲	۳،۲	۲۵،۵	۶۸،۱	۴،۵۹	پشتون
	۴،۳	۳،۶	۲،۲	۳،۶	۲،۲	۳۳،۸	۵۶،۱	۳،۹۱	هزاره
	۲،۶	۳،۴	۵،۲	۳،۴	۵،۲	۳۳،۶	۵۵،۲	۴،۳۵	تاجیک
پرچم سه رنگ افغانستان، مایه سربلندی افغان‌هاست	۸،۵	۶،۴	۶،۴	۶،۴	۵،۳	۱۹،۱	۶۰،۶	۴،۳۷	پشتون
	۳،۶	۱۰،۱	۱،۴	۱۰،۱	۱،۴	۲۷،۳	۵۷،۶	۴،۲۱	هزاره
	۳،۴	۹،۵	۶	۹،۵	۶	۲۵	۵۶	۳،۶۱	تاجیک
آرزو داشتم در کشوری دیگر به‌دنیایم آمدم	۳،۲	۱۹،۱	۱۹،۱	۱۹،۱	۱۹،۱	۳۰،۹	۲۷،۷	۳،۲۹	پشتون
	۵،۸	۲۲،۳	۲۵،۲	۲۲،۳	۲۵،۲	۳۰،۲	۱۶،۵	۳،۵۱	هزاره
	۶	۱۶،۴	۱۹،۸	۱۶،۴	۱۹،۸	۳۶،۲	۲۱،۶	۳،۵۹	تاجیک
اگر فرصتی پیش‌بیاید، حاضرم برای همیشه از افغانستان بروم	۳،۲	۱۹،۱	۱۹،۱	۱۹،۱	۱۹،۱	۳۳	۲۵،۵	۳،۰۰	پشتون
	۱۰،۸	۲۳	۲۱،۶	۲۳	۲۱،۶	۳۰،۲	۱۴،۴	۳،۵۴	هزاره
	۳،۴	۱۷،۲	۲۴،۱	۱۷،۲	۲۴،۱	۳۱،۹	۲۳،۳	۳،۲۷	تاجیک
زندگی در افغانستان برایم بسیار سخت است	۵،۳	۱۸،۱	۳۶،۲	۱۸،۱	۳۶،۲	۲۵،۵	۱۴،۹	۴،۲۱	پشتون
	۲،۹	۲۸،۱	۲۳	۲۸،۱	۲۳	۲۵،۲	۲۰،۹	۳،۶۴	هزاره
	۱۹،۸	۰	۱۹،۸	۰	۱۹،۸	۳۷،۱	۲۳،۳	۴،۲۳	تاجیک

ادامه جدول ۲: توزیع درصدی میزان موافقت پاسخ‌گویان با مقیاس گرایش به هویت ملی دانشجویان

(بعد اشتراک درون گروهی) بر حسب قومیت

میانگین کل	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نی نظر	کاملاً مخالفم	مخالفم	نویسنده	میزان موافقت	گویه‌ها
۴/۲۴	۳,۳۳	۶۴,۹	۱۷	۲,۱	۸,۵	۷,۴	پشتون	همیشه دوست‌دارم در مراکز رسمی به زبان دری و پشتو که زبان ملی کشورم است، صحبت‌کنم	
	۴,۳۷	۴۴,۳	۴۳,۲	۵	۲,۹	۴,۳	هزاره		
	۳,۳۲	۵۶,۹	۳۱,۹	۶	۱,۷	۳,۴	تاجیک		
۳/۱۰	۳,۱۴	۲۳,۴	۱۸,۱	۳۴	۱۶	۸,۵	پشتون	لباس خارجی را نسبت به لباس افغانی ترجیح می‌دهم	
	۳,۰۴	۱۰,۸	۱۳,۷	۴۸,۲	۱۹,۴	۷,۹	هزاره		
	۳,۱۳	۱۲,۱	۲۰,۷	۳۹,۷	۱۴,۷	۱۲,۹	تاجیک		
۳/۲۲	۳,۲۹	۲۱,۳	۱۳,۸	۳۵,۱	۱۶	۱۳,۸	پشتون	هنگام صحبت کردن سعی می‌کنم از اصطلاح‌های خارجی و غیر زبان ملی استفاده‌کنم	
	۳,۱۸	۱۵,۸	۲۰,۹	۴۶	۱۱,۵	۵,۸	هزاره		
	۴,۱۴	۲۲,۴	۱۵,۵	۳۳,۶	۱۴,۷	۱۳,۸	تاجیک		
۴/۳۵	۴,۲۵	۵۵	۱۹	۷,۴	۴,۳	۹,۶	پشتون	هرکجای دنیا هم وطنانم را ببینم، خوشحال می‌شوم	
	۴,۴۸	۵۴,۷	۳۶,۷	۲,۲	۳,۶	۲,۹	هزاره		
	۳,۳۹	۶۳,۸	۲۹,۳	۱,۷	۱,۷	۳,۴	تاجیک		
۳/۹۵	۴,۳۴	۴۴,۷	۲۸,۷	۶,۴	۱۴,۹	۵,۳	پشتون	آینده من به آینده کشورم گره‌خورده‌است	
	۴,۱۴	۴۳,۹	۲۹,۵	۷,۹	۱۱,۵	۷,۲	هزاره		
	۴,۲۲	۴۴,۸	۳۷,۹	۶	۸,۶	۲,۶	تاجیک		
۳۷/۶۷								جمع کل میانگین	

جدول زیر، توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به طیف هویت قومی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد؛ این طیف، شامل ۲۱ گویه است. نمرات هر گویه میان ۱ تا ۵ رده‌بندی شده‌است که نمره ۱ نشان‌دهنده مخالفت کامل (کمترین هویت قومی) است و نمره ۵، موافقت کامل (بیشترین هویت قومی) را با هر گویه نمایش می‌دهد. جمع نمرات ۲۱ گویه، نمره میزان هویت قومی را نشان می‌دهد که به‌طور بالقوه می‌تواند میان نمره ۲۱ (حداقل نمره) و نمره ۱۰۵ (حداکثر نمره) باشد.

جدول ۳: توزیع درصدی میزان موافقت پاسخ‌گویان با هویت قومی

میانگین کل	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	خیلی کم	کم	اصلاً	مردم	میزان موافقت / گویه‌ها
۲,۷۴	۲,۸۰	۱۳,۸	۱۷,۰	۲۸,۷	۱۶,۰	۲۴,۵	پشتون	برای کسب اطلاعات از تاریخ و سنن قوم زمان زیادی را صرف می‌کنم.
	۲,۹۳	۸,۶	۲۵,۹	۳۱,۷	۱۷,۳	۱۶,۴	هزاره	
	۲,۵۰	۲,۶	۱۶,۴	۲۷,۶	۳۵,۳	۱۸,۱	تاجیک	
۲,۵۸	۲,۴۷	۹,۶	۱۴,۹	۱۸,۱	۲۷,۷	۲۹,۸	پشتون	مایلم بیشتر در گروه‌هایی فعالیت‌کنم که هم‌قوم در آن باشند.
	۲,۸۳	۱۲,۲	۲۰,۱	۲۵,۹	۲۲,۳	۱۹,۴	هزاره	
	۲,۴۲	۲,۶	۲۱,۶	۲۵,۰	۱۷,۲	۳۳,۶	تاجیک	
۲,۵۸	۲,۷۲	۲۴,۵	۱۱,۷	۹,۶	۲۰,۲	۳۴,۰	پشتون	من نسبت به قوم غرور احساس می‌کنم.
	۲,۹۳	۲۳	۲۰,۹	۱۱,۵	۱۵,۱	۲۹,۵	هزاره	
	۲,۰۸	۶,۹	۱۴,۷	۶,۹	۲۲,۴	۴۹,۱	تاجیک	
۳,۱۲	۳,۳۹	۳۵,۱	۲۱,۳	۱۰,۶	۱۳,۸	۱۹,۱	پشتون	مطمئن هستم که قوم تأثیری مثبت در زندگی من داشته‌است.
	۳,۳۲	۱۷,۳	۳۵,۳	۱۷,۳	۲۲,۳	۷,۹	هزاره	
	۲,۷۰	۷,۸	۲۷,۶	۱۸,۱	۱۹,۸	۲۶,۷	تاجیک	
۳,۳۶	۳,۴۱	۳۱,۹	۱۸,۱	۲,۰۲	۱۹,۱	۱۰,۶	پشتون	از قوم کمال رضایت را دارم.
	۳,۴۵	۲۰,۹	۲۹,۵	۲۸,۱	۱۷,۳	۴,۳	هزاره	
	۳,۲۹	۱۶,۴	۲۹,۳	۲۷,۶	۲۰,۷	۶,۰	تاجیک	
۳,۰۰	۳,۳۰	۲۴,۵	۲۶,۶	۲۰,۲	۱۱,۷	۱۷,۰	پشتون	همیشه خود را پایبند به قوم می‌دانم.
	۳,۰۹	۱۸	۲۶,۶	۱۹,۴	۱۸,۷	۱۷,۳	هزاره	
	۲,۶۸	۱۴,۷	۱۹,۸	۱۵,۵	۱۹,۰	۳۱,۰	تاجیک	
۲/۷۴	۳,۰۰	۱۹,۱	۲۲,۳	۱۸,۱	۲۰,۲	۲۰,۲	پشتون	پایبندی به قوم در رفتارم مشخص است.
	۲,۹۰	۱۴,۴	۱۶,۵	۳۲,۴	۱۸	۱۸,۷	هزاره	
	۲,۴۵	۷,۸	۱۹,۸	۱۲,۹	۲۸,۴	۳۱,۰	تاجیک	

ادامه جدول ۳: توزیع درصدی میزان موافقت پاسخ گویان با هویت قومی

میانگین کل	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	خیلی کم	کم	اصلا	مردم	میزان موافقت / گویه ها
۲/۸۵	۳,۲۸	۲۶,۶	۲۴,۵	۱۴,۹	۱۸,۱	۱۶,۰	پشتون	دوست دارم درخصوص قومم با همه صحبت کنم.
	۲,۸۸	۱۱,۵	۲۵,۹	۲۲,۳	۱۹,۴	۲۰,۹	هزاره	
	۲,۴۷	۹,۵	۱۳,۸	۱۸,۱	۳۱,۰	۲۷,۶	تاجیک	
۳/۴۴	۳,۶۱	۴۱,۵	۱۷,۰	۱۳,۸	۱۶,۰	۱۱,۷	پشتون	من به قومم افتخار می کنم.
	۳,۷۳	۳۴,۵	۳۰,۹	۱۷,۳	۷,۹	۹,۴	هزاره	
	۲,۹۹	۱۲,۹	۳۰,۲	۱۹,۰	۱۹,۰	۱۹,۰	تاجیک	
۳/۶۹	۳,۵۶	۳۱,۹	۲۸,۷	۱۳,۸	۱۴,۹	۱۰,۶	پشتون	در مراسم های فرهنگی قومم مانند عروسی و ... شرکت می کنم.
	۳,۸۱	۲۸,۸	۳۹,۶	۱۸	۱۰,۸	۲,۹	هزاره	
	۳,۷۳	۲۹,۳	۳۶,۲	۱۳,۸	۱۹,۸	۰,۹	تاجیک	
۳/۶۲	۳,۷۶	۳۶,۲	۳۰,۹	۱۲,۸	۱۲,۸	۷,۴	پشتون	به قومم، بسیار علاقه دارم.
	۳,۷۳	۲۹,۵	۳۸,۸	۱۲,۹	۱۲,۹	۵,۸	هزاره	
	۳,۳۴	۱۹,۸	۳۳,۶	۱۹,۸	۱۴,۷	۱۲,۱	تاجیک	
۳/۴۸	۳,۴۹	۳۰,۹	۲۳,۴	۲۰,۲	۱۴,۹	۱۰,۶	پشتون	از زبان قومم در محاوره های روزمره استفاده می کنم.
	۳,۶۹	۳۱,۷	۳۳,۸	۱۲,۹	۱۵,۱	۶,۵	هزاره	
	۳,۲۲	۲۳,۳	۲۳,۳	۱۹,۰	۲۰,۷	۱۳,۸	تاجیک	
۳/۰۶	۳,۲۲	۲۷,۷	۲۳,۴	۱۱,۷	۱۸,۱	۱۹,۱	پشتون	من تماشای برنامه های موسیقی محلی قومم را بر دیگر برنامه های تلویزیونی ترجیح می دهم.
	۳,۳۶	۲۶,۶	۱۹,۴	۱۹,۴	۲۲,۳	۱۲,۲	هزاره	
	۲,۸۰	۱۸,۱	۱۹,۰	۱۴,۷	۲۱,۶	۲۶,۷	تاجیک	
۲/۵۴	۲,۶۸	۲۰,۲	۱۳,۸	۱۷,۰	۱۱,۷	۳۷,۲	پشتون	خرید کردن از مغازه های هم زبانم و هم قومم را بر دیگر مغازه ها ترجیح می دهم.
	۲,۵۷	۱۱,۵	۱۳,۷	۲۶,۶	۱۶,۵	۳۱,۷	هزاره	
	۲,۳۱	۱۳,۸	۱۰,۳	۱۷,۲	۱۰,۳	۴۸,۳	تاجیک	

ادامه جدول ۳: توزیع درصدی میزان موافقت پاسخ‌گویان با هویت قومی

میانگین کل	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	کمتر	پشتون	میزان موافقت	
								گویه‌ها	
۳/۲۷	۳,۴۴	۳۳,۰	۲۲,۳	۱۳,۸	۱۷,۰	۱۳,۸	پشتون	اگر ببینم در جایی هم قوم دچار مشکل شده، خودم به کمک او می‌روم.	
	۳,۳۵	۲۰,۱	۳۵,۳	۱۲,۹	۲۲,۳	۹,۴	هزاره		
	۳,۰۰	۱۲,۹	۳۱,۰	۱۶,۴	۲۲,۴	۱۷,۲	تاجیک		
۳/۷۹	۳,۸۸	۴۵,۷	۲۷,۷	۶,۴	۹,۶	۱۰,۶	پشتون	بهتر است هر قوم، سنت‌های خود را حفظ کند.	
	۳,۷۳	۳۲,۴	۲۹,۵	۲۲,۳	۱۰,۱	۵,۸	هزاره		
	۳,۷۹	۳۴,۵	۳۴,۵	۱۳,۸	۱۰,۳	۶,۹	تاجیک		
۳/۱۶	۳,۴۶	۳۴,۰	۲۴,۵	۱۰,۶	۱۴,۹	۱۶,۰	پشتون	قوم نسبت به بقیه اقوام شجاع‌تر و قوی تراند	
	۳,۲۰	۲۰,۱	۳۰,۲	۱۷,۳	۱۴,۴	۱۸	هزاره		
	۲,۸۶	۱۶,۴	۲۴,۱	۱۶,۴	۱۵,۵	۲۷,۶	تاجیک		
۲/۵۵	۲,۹۶	۲۱,۳	۲۴,۵	۱۶,۰	۵,۳	۳۳,۰	پشتون	به نظرم آداب و رسوم قوم قدیمی و پیش‌پاافتاده است.	
	۲,۵۴	۱۱,۵	۱۳,۷	۲۳,۷	۱۹,۴	۳۱,۷	هزاره		
	۲,۳۳	۱۱,۲	۷,۸	۲۳,۳	۱۸,۱	۳۹,۷	تاجیک		
۲/۶۸	۲,۸۶	۲۱,۳	۲۴,۵	۱۶,۰	۵,۳	۲۹,۸	پشتون	هم‌زبان بودن مهم‌ترین ملاک من برای انتخاب دوست است.	
	۲,۷۳	۱۴,۴	۲۱,۶	۱۹,۴	۱۲,۲	۳۲,۴	هزاره		
	۲,۴۸	۱۸,۱	۱۱,۲	۱۳,۸	۱۴,۷	۴۲,۲	تاجیک		
۳/۲۲	۳,۱۹	۲۹,۸	۲۱,۳	۹,۶	۱۷,۰	۲۲,۳	پشتون	مشکلات قوم و عشیره‌ام، مشکلات خود من است.	
	۳,۴۶	۲۸,۱	۲۹,۵	۱۵,۱	۱۵,۱	۱۲,۲	هزاره		
	۲,۹۷	۱۲,۹	۲۴,۱	۲۴,۱	۲۵,۰	۱۳,۸	تاجیک		
۳/۶۵	۳,۴۴	۳۷,۲	۱۹,۱	۱۱,۷	۱۳,۸	۱۸,۱	پشتون	از قومیت‌م (هزاره، پشتون، تاجیک و.... بودن) خود بسیار رضایت‌دارم.	
	۳,۸۹	۴۶,۸	۲۸,۸	۳,۶	۸,۶	۱۲,۲	هزاره		
	۳,۵۳	۳۹,۹	۲۳,۳	۱۲,۱	۷,۸	۱۹,۰	تاجیک		
۶۵,۱۲								جمع میانگین کل	



در صورتی که هر فرد برای همه گویه‌ها عبارت «بی نظر» را علامت‌بزند، میانگین کل نمره او از این گویه‌ها ۶۳ به دست خواهد آمد؛ در این جدول، چگونگی انتخاب گزینه‌ها در گویه‌های مختلف نشان داده شده است. همان‌طور که از آمارهای جدول پیداست در خصوص گویه ۱۶ «بهتر است هر قوم، سنت خود را حفظ کند»، میانگین به دست آمده از پاسخ‌گویان پشتون ۳/۸۸ از ۵ است، میانگین از پاسخ‌گویان هزاره ۳/۳۷ از ۵ است و میانگین از پاسخ‌گویان تاجیک ۳/۷۹ از ۵ است؛ میانگین گویه ۱۶ در کل ۳،۷۹ از ۵ است که نشان‌دهنده گرایش به نسبت زیاد در خصوص این گویه است اما جمع نمرات به دست آمده از این ۲۱ گویه، میزان هویت قومی را در حد بالا نشان می‌دهد؛ میانگین به دست آمده از کل گویه‌ها برابر ۶۵/۱۲ است که از میانگین مورد انتظار (۶۳) که نشان‌دهنده گرایش در حد متوسط است، بیشتر می‌نماید؛ هرچه این میانگین کل، از عدد ۶۳ بیشتر باشد، بیانگر گرایش موافق پاسخ‌گویان با گویه‌ها بیشتر است.

فرضیه اول: میان سن پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.

جدول زیر، نشان‌دهنده ضریب همبستگی پیرسون میان سن و هویت ملی است؛ نتایج به دست آمده از این جدول، از این، حاکی است که رابطه منفی معناداری در سطح ۹۵ درصد میان سن و هویت ملی دانشجویان وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون میان سن و هویت ملی بر حسب قومیت

متغیر وابسته		متغیر مستقل سن
(هویت ملی)		
مقدار همبستگی	سطح معناداری	
-۰،۱۱۵	۰،۰۲۷	کل

فرضیه دوم: میان جنسیت پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.

جدول زیر، آزمون تفاوت میانگین هویت ملی پاسخ‌گویان را بر حسب جنسیت افراد نمونه نشان می‌دهد؛ نتایج به دست آمده بر اساس آزمون T، فرضیه بالا را رد کرده، تفاوتی معنادار را از لحاظ آماری در میان دانشجویان تأیید نمی‌کند.

جدول ۵: آزمون رابطه جنس پاسخ‌گویان با گرایش به هویت ملی بر حسب قومیت

متغیر مستقل (جنسیت)	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
زن	۱۶۳	۱،۱۲۷۴	۱۳،۹۷	۱،۰۹۴	۱،۵۴	۰،۳۸۴
مرد	۲۰۸	۱،۱۰۴۸	۱۴،۰۹۴	۰،۹۷۷۳		
کل						

فرضیه سوم: میان زبان مادری پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد. جدول زیر، آزمون تفاوت میانگین هویت ملی پاسخ‌گویان را در دو گروه جنسی برحسب زبان مادری افراد نمونه نشان می‌دهد؛ نتایج به‌دست‌آمده براساس آزمون T، فرضیه بالا را درخصوص هر دو گروه زبانی رد می‌کند؛ به این معنا رابطه‌ای معنادار، میان زبان و هویت ملی دانشجویان وجود ندارد و فرضیه بالا رد می‌شود.

جدول ۶: آزمون رابطه زبان پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها

سطح معناداری	مقدار T	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیر مستقل (زبان)	
						فارسی	پشتو
۰,۸۷۰	۰,۱۶۳	۰,۸۰۳	۱۳,۲۰	۱,۰۰۲	۲۷۰	متغیر وابسته	
		۱,۲۳۱	۱۱,۶۸	۱,۰۰۰	۹۰	(هویت ملی)	

فرضیه چهارم: میان نوع قومیت پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد. جدول پایین، آزمون میانگین هویت ملی پاسخ‌گویان را درکل و همچنین برحسب گروه قومی نشان می‌دهد؛ نتایج به‌دست‌آمده براساس آزمون F، فرضیه بالا را تأیید می‌کند؛ سطح معناداری درکل  $p=۰,۰۰۰$  اما در گروه قومی پشتون  $p=۰,۰۰۰$ ، هزاره  $p=۰,۰۰۰$  و تاجیک  $p=۰,۰۰۰$  مقدار آزمون F، درکل  $F=-۱۴۵,۲$  اما در گروه قومی پشتون  $F=-۸۵,۴۶$ ، هزاره  $F=-۸۴,۷۶$  و تاجیک  $F=-۸۵,۲۶$  است؛ در نتیجه، رابطه معنادار منفی میان هویت ملی و قومیت دانشجویان درکل و همچنین برحسب گروه قومی در هر سه گروه قومی وجود دارد و فرضیه بالا درخصوص آنها تأیید می‌شود.

جدول ۷: آزمون رابطه قومیت پاسخ‌گویان با گرایش هویت ملی

سطح معناداری	مقدار F	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیر مستقل (قومیت)	
						کل	پشتون
۰,۰۰۰	-۱۴۵,۲	۰,۰۴۳	۰,۸۰۸	۲,۱۳	۳۷۲	متغیر وابسته	
						کل	
						پشتون	
						هزاره	
۰,۰۰۰	-۸۵,۴۶	۱,۱۶۶	۱۱,۳۱	۱,۰۰۷	۹۴	تاجیک	
۰,۰۰۰	-۸۴,۷۶	۱,۱۳۸	۱۳,۴۲	۹۹,۵۴	۱۳۹		
۰,۰۰۰	-۸۵,۲۶	۱,۱۶۴	۱۲,۵۴	۱,۰۱۲	۱۱۶		

فرضیه پنجم: میان نوع مذهب پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.  
جدول زیر، آزمون T نوع مذهب پاسخ‌گویان و هویت ملی دانشجویان را برحسب گروه قومی افراد نمونه نشان می‌دهد؛ نتایج به دست آمده براساس آزمون T فرضیه بالا را رد کرده، تفاوتی معنادار میان هویت ملی و نوع مذهب پاسخ‌گویان نشان نمی‌دهد.

جدول ۸: آزمون رابطه مذهب پاسخ‌گویان با گرایش به هویت ملی برحسب قومیت

متغیر مستقل (مذهب)	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری	
						متغیر مستقل	کل
سنی	۲۲۰	۹۹,۹۹	۱۲,۴۸	۱,۰۹۳	-۰,۱۶۷	۰,۸۶۷	
	۱۵۲	۹۹,۷۶	۱۳,۴۸	۰,۸۴۱			

فرضیه ششم: میان وضعیت تأهل پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.  
جدول زیر، آزمون T هویت ملی پاسخ‌گویان و وضعیت تأهل را نشان می‌دهد؛ نتایج به دست آمده براساس آزمون T، فرضیه بالا را رد می‌کند.

جدول ۹: تحلیل واریانس وضعیت تأهل پاسخ‌گویان گرایش به هویت ملی

متغیر مستقل (تأهل)	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	مقدار T	سطح معناداری	
						متغیر وابسته (هویت ملی)	کل
متأهل	۸۲	۹۷,۹۰	۱۳,۴۵	۱,۴۸۵	۱,۵۹۱	۰,۱۱۲	
	۲۹۰	۱,۰۰۴	۱۲,۶۹	۰,۷۴۵			

فرضیه هفتم: میان هویت قومی پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.  
نتایج جدول زیر آزمون پیرسون، نشان‌دهنده این نکته است که میان هویت ملی و هویت قومی دانشجویان در کل  $(p=0,002)$ ، رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون میان هویت قومی و هویت ملی

فراوانی	هویت قومی		متغیر وابسته (هویت ملی)
	سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۳۷۲	۰,۰۰۲	۰,۱۵۹	کل

فرضیه هشتم: میان هویت دینی پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.  
 نتایج جدول زیر نشان‌دهنده این نکته است که میان هویت ملی و هویت دینی دانشجویان (p= ۰/۰۰۰)، رابطه مثبت معنادار وجود دارد لذا با توجه به سطح معنادار میان این دو متغیر، فرضیه بالا قابل قبول خواهد بود.

**جدول ۱۱: ضریب همبستگی پیرسون میان هویت دینی و هویت ملی بر حسب قومیت**

فراوانی	هویت دینی		متغیر وابسته (هویت ملی)
	سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۳۷۲	۰,۰۰۰	۰,۱۹۴	کل

فرضیه نهم: میان هویت جهانی پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.  
 نتایج جدول پایین، نشان‌دهنده این مورد است که هویت ملی و هویت جهانی دانشجویان (۰/۰۱۹) دارای رابطه‌ای معنادار است.

**جدول ۱۲: ضریب همبستگی پیرسون میان هویت جهانی و هویت ملی**

فراوانی	هویت جهانی		متغیر وابسته (هویت ملی)
	سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۳۷۲	۰,۰۱۹	۰,۱۲۲	کل

فرضیه دهم: میان میزان سبک زندگی فرهنگی - فراغتی پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.

نتایج جدول زیر، نشان‌دهنده این نکته است که با افزایش یا کاهش در سبک زندگی فرهنگی - مشارکتی میان افراد، هویت ملی آنها تغییری نمی‌کند؛ در نتیجه، میان این دو متغیر، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد و فرضیه بالا قابل تأیید نبوده، رد می‌شود.

**جدول ۱۳: ضریب همبستگی پیرسون میان سبک زندگی فرهنگی - فراغتی و هویت ملی**

فراوانی	سبک زندگی فرهنگی - فراغتی		متغیر وابسته (هویت ملی)
	سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۳۷۲	۰,۲۷۶	۰,۰۷۸	کل

فرضیه یازدهم: میان میزان سبک زندگی اجتماعی و مشارکتی پاسخ‌گویان و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.

نتایج جدول پایین، نشان می‌دهد که میان متغیر هویت ملی و سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی دانشجویان ( $p=0/000$ )، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد.

جدول ۱۴: ضریب همبستگی پیرسون میان سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی

فراوانی	سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی		متغیر وابسته (هویت ملی)
	سطح معناداری	مقدار همبستگی	
۳۷۲	۰,۰۰۰	۰,۲۰۱	کل

### جمع‌بندی

تحقیق حاضر با پذیرش این واقعیت آغاز شد که هویت در گذار از جهان سنت به مدرن از شکل سخت و سنتی خود جدا شده و شکلی سیال و نسبی به خود گرفته است؛ همین امر سبب شده است که پویایی‌های درونی هویت، بسیار بیشتر از جهان سنتی باشد و شناخت علمی آن با توجه به نسبی بودن این پدیده به مراتب سخت‌تر و مسئله‌سازتر شود؛ در واقع، هویت بیشتر به حوزه فردی و شخصی افراد در حال حرکت است و سبک‌های زندگی گوناگون افراد، هویت آنها را شکل می‌دهد. هویت‌های شخصی آن‌گونه که گیانز معتقد است، نتیجه فرایند جهانی‌شدن و گسترش رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بوده است اما همین فرایندها، آن‌گونه که کاستنر مطرح می‌کند، در مقابل خود، با مقاومت‌هایی از جانب جنبش‌های گوناگون جمعی که به دنبال مای جمعی و تاریخی خود بوده‌اند، مواجه شده است. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی هویت ملی دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل مبادرت کرده است. در خصوص متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، زبان، قومیت، مذهب و وضعیت تأهل) آزمون فرضیات تحقیق، نشانگر این واقعیت بودند که رابطه‌ای معنادار، میان جنس، زبان، مذهب، وضعیت تأهل و هویت ملی در میان هیچ‌یک از گروه‌های قومی مورد مطالعه وجود نداشته است اما رابطه میان نوع قومیت در کل، سن و هویت ملی پاسخ‌گویان، تنها در میان گروه قومی هزاره معنادار و با ضریب همبستگی منفی بوده است.

مطالعات /مانی (۱۳۹۱)، کاوسی (۱۳۸۸)، صالحی (۱۳۹۱)، تقوی‌نسب (۱۳۸۶) و بسیاری از مطالعات دیگر، در رابطه میان سن، جنس، زبان، قومیت، مذهب و وضعیت تأهل و هویت ملی افراد

مورد مطالعه‌شان اشاره داشته‌اند؛ آنچنان‌که در این مطالعه نیز اشاره شد، بین هویت ملی و سن گروه قومی هزاره که بیشترین آسیب‌های اجتماعی را در تاریخ افغانستان دیده‌است، رابطه‌ای معناداری وجود دارد. در واقع، این رابطه، مباحث نظری مربوط به تحلیل گفتمان را تأیید می‌کند؛ این امر بدان معناست که هویت ملی و سن گروه قومی هزاره بر یکدیگر اثر منفی داشته‌است و به‌طورمجموع، افزایش سن، باعث کاهش هویت ملی هزاره‌ها می‌شود که نتیجه منطقی آن، آگاهی از تاریخ گذشته و کاهش هویت ملی را در برمی‌گیرد؛ البته بیان این نکته ضروری است که در تمام گروه‌های مورد بررسی، میانگین‌های مردان نسبت به میانگین زنان، بیشتر است؛ این امر در تحقیق شفعی تبار و همکاران (۱۳۸۹) نیز قابل پیگیری است.

فرضیه‌های (متغیرهای زمینه‌ای) درخصوص قضیه اول: افزایش محدودیت ساختارهای اجتماعی متفاوت معنابخش، به کاهش تعهد به هویت ملی را منجر می‌شود و (۲) کاهش محدودیت ساختارهای اجتماعی متفاوت معنابخش به افزایش تعهد به هویت ملی منجر می‌شود. می‌توان براساس نظریه /ستریکر و همگام با او به نتیجه رسید که افراد، خودشان را به‌عنوان ابژه‌هایی درخصوص موقعیتشان در ساختار اجتماعی درک و شناسایی می‌کنند؛ در نتیجه، نتایج تحقیق نیز آشکار کرده‌است، عواملی که نسبت به بقیه متغیرها بیشتر تحت تأثیر محدودیت‌های ساختاری قرار ندارد مانند سن، جنس و زبان، به‌همان‌سان، بیشتر از سایر عوامل برجسته‌شدن هویت ملی تأثیر دارند؛ نتایج تحقیق نیز با برقراردن رابطه میان قومیت و سن و عدم رابطه میان جنس، مذهب، قومیت و وضعیت تأهل (متغیرهایی که محدودیت ساختاری کمتری دارند)، نظریه /ستریکر را تأیید می‌کند.

در مرحله بعد قضیه شماره ۱. افزایش تعهد نسبت به هویت ملی منجر می‌شود به:

الف- کاهش تعهد به هویت قومی؛

ب- کاهش تعهد به هویت دینی؛

ج- کاهش تعهد به هویت جهانی.

و ۲: کاهش تعهد نسبت به هویت ملی منجر می‌شود به:

الف- افزایش تعهد به هویت‌های دیگر؛

ب- انتخاب هویت‌های چندگانه)

آنچنان‌که نتایج تحقیق نشان می‌دهند رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در میان دو گروه قومی هزاره و تاجیک، معنادار نیست؛ اما در مقابل این رابطه برای دانشجویان پشتون، رابطه‌ای مثبت، قوی و

مستقیم میان این دو متغیر وجود دارد؛ این نتایج با تحقیق ربانی و همکاران (۱۳۸۷)، کاوسی (۱۳۸۸)، کیاکجوری (۱۳۸۶)، احمادلو و افروغ (۱۳۸۱) و گونگ (۲۰۰۷)، درخصوص گروه قومی پشتون صدق کرده است اما نتایج تحقیق روحانی (۱۳۹۰)، تهوی نسب (۱۳۸۶)، با این فرضیه سازگاری ندارد. نتیجه تحقیق حاضر، نظریه استریایکر را تأیید نمی کند؛ همچنان که در بخش های پیشین بیان شد، گرایش دانشجویان پشتون به هویت ملی، بسیار بیشتر از سایر گروه های مورد مطالعه بوده است و در نتیجه، این امر سبب شده است که رابطه میان هویت ملی و هویت قومی در میان دانشجویان، معنادار و مثبت است.

درخصوص هویت دینی و هویت ملی دانشجویان، رابطه ای معنادار و مثبت، میان هر سه گروه قومی، پشتون، هزاره و تاجیک قابل مشاهده بود و همانند دو متغیر پیشین، این رابطه در میان دانشجویان پشتون، قوی تر است؛ نتایج این تحقیق با نظریه استریایکر سازگاری ندارد و این فرضیه که افزایش تعهد به هویت ملی، باعث کاهش در هویت های دیگر می شود، تضاد دارد.

درخصوص متغیر هویت جهانی و هویت ملی، نتایج تحقیق حاضر، نظریه استریایکر را تعدیل می کند. نتایج تحقیق حاضر از این، حاکی بوده اند که رابطه مثبت و قوی میان هویت ملی و هویت جهانی در میان گروه قومی تاجیک وجود دارد؛ نتایج این تحقیق در مغایرت با تحقیق سابلونیره (۲۰۱۰)، ارزگانی (۱۳۹۰)، جلالی پور و قنبری (۱۳۸۸)، فکوهی (۱۳۸۶)، حافظنیا و همکاران (۱۳۸۵)، ساساکی (۲۰۰۴) و ایزل و همکاران (۲۰۰۳) بوده است.

درخصوص این دو متغیر، نظریه استریایکر و قضیه مستخرج از آن تعدیل می شود زیرا در گروه قومی تاجیک با افزایش هویت جهانی، هویت ملی آن تضعیف نشده بلکه در مقابل، هویت ملی و هویت جهانی، رابطه ای مستقیم و مثبت داشته اند؛ در این باره، نظریه استریایکر بازبینی می شود؛ علاوه بر این، می توان در این خصوص به سیالیت فرایند جهانی شدن اشاره کرد زیرا این فرایند با فراهم کردن امکانات فراوان، تنوع انتخاب را برای افراد ایجاد می کند؛ همین امر، به انتخاب گزینه ها و اموری برای افراد منجر می شود که به برجستگی هویت ملی آنها در فرایند جهانی شدن یاری می رساند.

گیدنز درخصوص تشکیل هویت شخصی، معتقد است که جهانی شدن و ظهور فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی با قراردادن امکانات فراوان در مقابل افراد، امکان تشکیل هویت شخصی را برای افراد فراهم می کند؛ در واقع در نظر وی، افراد با شیوه ها و سبک های گوناگون زندگی و با انتخاب های خود، هویت خویش را شکل می دهند. نتایج پژوهش حاضر درباره پاسخ گویان، این امر را نشان می دهد

که میان سبک زندگی فرهنگی - فراغتی و هویت ملی، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد؛ این تحقیق تجربی نظریه‌گینز را نه تأیید و نه رد می‌کند.

درخصوص سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی با هویت ملی دانشجویان، در فرضیه بیان‌شده از نظریه‌گینز استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده این واقعیت بودند که میان دو متغیر هویت ملی و سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی افراد در میان هر سه گروه قومی (پشتون، هزاره و تاجیک)، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود داشته است. نتایج حاضر فرضیه سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی را تأیید می‌کنند زیرا با افزایش فعالیت در سبک‌های اجتماعی - مشارکتی، افراد روحیه جمعی و گروهی را تجربه کرده، در نتیجه به هویت جمعی خود پابندی بیشتری نشان می‌دهند. نتایج تحقیق حاضر با پژوهش روحانی (۱۳۹۰) و نظریه‌گینز مطابقت دارند.

پژوهش حاضر همگام با دواس، معتقد است، «کمتر پیش می‌آید که تحقیق نظریه اولیه را به‌طور کامل تأیید کند» (دواس، ۱۳۸۴: ۲۸)؛ بدین ترتیب، پژوهش حاضر در بعضی از متغیرها نظریه‌های منتخب را تأیید کرده، پایه‌های تجربی آن را استحکام بخشیدند اما در بعضی از متغیرها نظریه‌های منتخب تعدیل شدند؛ در مجموع، هویت ملی، هویت قومی، هویت دینی، هویت جهانی، سرمایه اجتماعی ارتباطی، سرمایه اعتماد اجتماعی، سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی و رسانه‌های داخلی میان دانشجویان تأیید شده، در واقع، رابطه‌ای همسو و مثبت به‌جز سن و قومیت را نشان می‌دهند اما هویت قومی، هویت دینی، سرمایه اعتماد اجتماعی، سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی و میزان استفاده تلفن همراه در گروه قومی پشتون تأیید شده است.

درخصوص فرضیه‌های تحقیق، در گروه قومی هزاره، هویت دینی، سن، سرمایه اعتماد اجتماعی، سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی، میزان استفاده رسانه‌های داخلی و در گروه قومی تاجیک هویت دینی، هویت جهانی و سبک زندگی اجتماعی - مشارکتی در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است.

## نتیجه‌گیری

افغانستان به‌مثابه کشور چندقومی، در طول دوره زیان‌بار تاریخی‌اش، محور گرایش‌های قومی بوده است. ملی‌گرایی به دو نوع تجلی می‌نماید: ملی‌گرایی مثبت از نوع فرانسوی که برای کسب استقلال و وحدت ملی استفاده می‌شود و ملی‌گرایی منفی که مبتنی بر برتری‌بینی و نژادپرستی است.



افغانستان، متأسفانه همواره ملی‌گرایی منفی را تجربه کرده‌است. در تاریخ سیاسی کشور، یک گروه قومی حاکم، در این سرزمین حکمرانی کرده، مبتنی بر بینش نژادپرستی، قومیت‌های دیگر را زیر فشار گرفته‌اند.

افغانستان پسا طالبان در عرصه عملی میدان تاخت و تاز قوم‌گرایی هاست؛ هنوز هم کشور، شکل و قیافه قومی دارد و به گونه‌ای مشخص ولایات و مناطق شهری، میان قومیت‌های کشور تقسیم شده به نظر می‌رسد. ساختار قدرت سیاسی از زمان احمد شاه ابدالی تاکنون تحت تأثیر قومیت بوده‌است (خواتی، ۱۳۸۸: ۶۶ به نقل از فهیمی، ۱۳۹۲). انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی و معادلات قدرت که اکنون در افغانستان صورت می‌گیرند، همه‌و همه نشان‌دهنده این واقعیت سیاسی هستند که قومیت، مبنای همه کنش‌های سیاسی افغان‌هاست؛ در مجموع باید گفت که افغانستان از نبود هویت ملی و جمعی قابل قبول برای همه قومیت‌های کشور، به شدت رنج می‌برد.

در بخش پایانی مقاله حاضر نیز با توجه به اینکه تحقیق، بیشتر به بعد اجتماعی و فرهنگی مرتبط به هویت ملی، معطوف است، از این رو، پیشنهادها بیشتر در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی معطوف به هویت ملی ارائه می‌شوند.

- با توجه به سطح معناداری هویت دینی با هویت ملی در هر سه گروه قومی و از طرف دیگر، توجه به این نکته که اکثریت مطلق جامعه افغانستان، مسلمان هستند، تأکید بر این عنصر مشترک هویت ملی در افغانستان و برجسته کردن آن نسبت به نقاط افتراقی از قبیل هویت قومی، قومیت و مذهب می‌تواند موجب تقویت بیشتر هویت ملی در این کشور باشد.

- در خصوص متغیرهای سرمایه اجتماعی باید به طرق گوناگون، ارتباطات اجتماعی افراد را در قومیت‌های مختلف ارتقا داد تا از این طریق:

الف- شناخت افراد از اقوام و فرهنگ‌های دیگر افزایش یابد.

ب- اعتماد تعمیم یافته و برون‌گرومی همگام با اعتماد ویژه و درون‌گرومی افزایش یابد.

ج- سرمایه اجتماعی افراد ارتقا یابد تا در نتیجه، هویت ملی افراد در مقابل هویت قومی آنها غلبه پیدا کند که زمینه برای توسعه، پیشرفت و همگرایی مهیا شود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود با ارتقای سطح کیفی و کمی نهادهای علمی و فرهنگی در سطوح مختلف در دانشگاه‌ها و سعی در ترغیب افراد در عضویت این نهادها تا از این طریق، ارتباطات اجتماعی میان دانشجویان اقوام مختلف برقرار شود تا هویت ملی و هم‌پذیری افراد تقویت شود زیرا با افزایش ارتباطات، سرمایه اجتماعی برون‌گرومی افراد

افزایش می‌یابد و احتمال تشکیل حس جمعی، هویت جمعی و همگرایی بسیار بیشتر از هویت ویژه یا خاص می‌شود.

- با توجه به سطح معنادار بودن سبک‌های زندگی اجتماعی - مشارکتی با هویت ملی دانشجویان در این تحقیق پیشنهاد می‌شود که به منظور تحقق برنامه‌های مختلف بالا، برنامه درسی و غیردرسی برای دانشجویان به سبک‌های اجتماعی - مشارکتی سوق داده شود تا گرایش تعهد و مسئولیت‌پذیری جمعی دانشجویان افزایش یابد و از حالت‌های انزواگرایانه و فردگرایانه افراطی نجات پیداکنند؛ در واقع، ارتقای سبک‌های زندگی اجتماعی - مشارکتی به افزایش سرمایه اجتماعی دانشجویان نیز منجر می‌شود که این خود، موجب گرایش هرچه بیشتر دانشجویان، به هویت‌های چندگانه و گسترده می‌شود.

## منابع

### ۱- منابع فارسی

- امانی، گلاب‌شاه (۱۳۹۱)؛ *بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با هویت اجتماعی دانشجویان: دانشگاه کابل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- اوز کریمی، اوموت (۱۳۸۳)؛ *نظریه‌های ناسیونالیسم*؛ ترجمه محمدعلی قاسمی؛ تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- حیدری، محمدعلی و حمید رهنورد (۱۳۹۰)؛ «افغانستان، نیروهای بیگانه و چالش دولت-ملت‌سازی»، *فصلنامه رهنما سیاستگذاری*؛ سال دوم، ش ۴، ص ۵۷ تا ۸۲.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷)؛ *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸)؛ *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: ص ۲۸۵-۳۰۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*؛ ج ۲ (قدرت هویت)، حسن چاوشیان، علی پایا (ویراستار ارشد)، تهران: طرح نو.

- کاوسی، فرزانه (۱۳۸۸): *بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با هویت ملی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص*؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی*؛ ترجمه حسن چاوشیان؛ تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰): *پیامدهای مدرنیته*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر مرکز.
- گلنر، ارنست (۱۳۸۸): *ناسیونالیسم*؛ ترجمه سید محمدعلی تقوی؛ تهران: نشر مرکز.
- مریدی، محمدرضا و معصومه تقی‌زادگان (۱۳۸۶): «بررسی بحران هویت در میان دانش‌آموزان (نمونه موردی دانش‌آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴)»، *مطالعات ملی*؛ ش ۳۰، ص ۱۴۵ تا ۱۶۸.
- یحیائی، سبحان و سیده مرضیه کیا (۱۳۸۸): «مطالعه انگاره‌های هویت فرهنگی و هویت ملی ملت‌های ایران و افغانستان با تأکید بر نگره‌های مهاجران افغانی به ایرانیان»، *مطالعات ملی*؛ سال دهم، ش ۱، ص ۱۳۵ تا ۱۵۶.

## ۲- منابع انگلیسی

- Baily, J. (1994). "The role of music in the creation of an Afghan national identity: 1923-1973, edited by Stokes, M, pp 45-60.
- Gong, li (2007); "Ethnic identity and identification with the majority group: Relations with national identity and self-esteem", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 31, No 4, pp, 503-523.
- Hettne, B. (2010); "Development And Security: Origins and Future", *Journal Of Security Dialogue*, Vol. 41, No. 1, p, 34.
- Sablonniere, Roxanede la and Emilie Auger and Nazgul Sadykova and Danald M. Taylor (2010); "When the "We" Impacts How "I" Feel About Myself: Effect of Temporal Collective Relative Deprivation on Personal Well-being in the Context of Dramatic Social Change in Kyrgyzstan", *European Psychologist*, Vol. 15, No 4, pp, 271-282.

- Sabatier, Colette (2008); "Ethnic and national identity among second-generation immigrant adolescents in France: The role of social context and family", *Journal of Adolescence*, Vol. 31, Issue 2, , Pages 185-205.
- Turner, Jonathan (1999); *The Structure of Sociological Theory*. Wadsworth, pp, 330-496.
- Striker, Sheldon. (2000). Identity theory in Encyclopedia of sociology, ed. EF Borgatta ML Borgatta, Macmillan.
- Stryker, Sheldon (1999). "Exploring the relevance of social cognition for the relationship of self and society: Linking the cognitive perspective and identity theory", in the self-society dynamic Cognition, emotion, and action, Eds by Judith A. Howard and Peter L. Callero, Cambridge: Cambridge University Press.

### ۳- منابع الکترونیکی

- فهیمی، عبدالرحمن، سایت روزنامه افغانستان ما، تاریخ آخرین به روز رسانی ۱۳۹۲/۱۰/۱۲ :  
[http://www.dailyafghanistan.com/opinion\\_detail.php?post\\_id=129527](http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=129527)